

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸

نیم‌نگاهی تاریخی بر تکوین عدالت اداری در حقوق ایران از

مشروطیت تا جمهوری اسلامی

علی مشهدی^۱

چکیده

تحولات شکل‌گیری و تکوین دادرسی اداری در ایران پس از مشروطیت را می‌توان در چهار دوره‌ی تاریخی مطالعه نمود. دوره‌ی نخست دوره‌ی زمینه‌ساز، کاغذی و تقلیدی است که صرفاً به تصویب قانون شورای دولتی و تأسیس آن منجر شد. دوره‌ی دوم، دوره‌ی تجربه و آزمایش است که با انقلاب اسلامی و تصویب اصل ۱۷۳ قانون اساسی و تأسیس دیوان عدالت اداری از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ مصادف است. دوره‌ی سوم، اصلاحات موقت و گذراست که با تصویب قانون سال ۱۳۸۵ تحولاتی را در دادرسی اداری شاهد هستیم. در نهایت دوره‌ی تکامل عدالت اداری با تصویب قانون تشکیلات و آیین دادرسی اداری مصوب ۱۳۹۲ است. در این نوشتار سعی شده است این ادوار در چارچوب نظریه‌ی عمومی دادرسی اداری مورد واکاوی قرار گیرند. مهم‌ترین یافته‌ی این پژوهش این است که با تأمل بر سیر تحولات و وقایع، علیرغم کاستی‌ها شاهد توسعه و استقلال دادرسی اداری در نظام حقوقی ایران بوده‌ایم.

واژگان کلیدی: دادرسی اداری، قانون شورای دولتی، دیوان عدالت اداری، دوره‌ی تقلیدی، دوره‌ی

تجربه، دوره‌ی اصلاحات، دوره‌ی تکامل عدالت اداری.

مقدمه

شکل‌گیری و تحول دادرسی اداری در ایران، با دادرسی جزایی و مدنی، تمایزی اساسی دارد. چه اینکه پیش‌فرض اولیه‌ی ایجاد دادرسی اداری، پذیرش تبعیت حکومت از قانون است. یعنی باید حکومت بپذیرد که باید اعمال و تصمیماتش تابع قانون باشد.^۱ به همین سبب تاریخ دادرسی اداری در ایران را می‌توانیم در دو دوره‌ی کلان پیش‌حقوقی (قبل از مشروطیت) و پس از آن بررسی نماییم. دوره‌ی پیش‌حقوقی، از دوران باستان تا مشروطیت را شامل می‌شود. در این دوره اساساً نمی‌توان از یک سیستم منسجم دادرسی اداری (نظام حل‌وفصل اختلافات و رسیدگی به شکایات مردم علیه دولت) صحبت کنیم. چراکه در این زمان هنوز دولت حول ملت شکل نگرفته و ایده‌ی تبعیت حکومت از قانون ایجاد نشده است و اساساً ساختار مشخص و منظمی نیز برای رسیدگی به شکایات و تظلمات رعیت علیه حکمرانان وجود ندارد.

در این دوران تنها می‌توان به برخی از موارد جزئی و مصداقی اشاره نمود که به اختلافات میان اداره‌کنندگان و اداره‌شوندگان رسیدگی می‌نمودند. ریشه‌های چنین سیستمی را می‌توانیم از نهادهایی در طول تاریخ دادرسی ایران نام ببریم که به تظلم‌خواهی رعیت علیه حکمرانان می‌پرداختند؛ برای مثال زنجیر عدل انوشیروان که در تاریخ ذکر شده است، نمونه‌ی خوبی است.^۲ سیاست‌نامه‌ی نظام‌الملک در این زمینه توصیه‌هایی دارد.^۳

همچنین در عهد صفوی کسانی مانند صدر عام وظیفه‌ی رسیدگی به شکایت مردم نسبت به دولت را داشتند. در دوران صدارت امیرکبیر نیز یکی از اصلاحات ایشان تشکیل دیوان‌خانه‌ای بود که وظیفه‌ی آن رسیدگی به تظلمات مردم علیه حکومت بود. در تاریخ دادرسی، دیوان مظالم، دیوانی

۱. مشهدی، علی، *قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم حقوقی کنونی*، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵، ص ۲۰.

۲. حیدری، علی و دیگران، *تجلی آیین دادخواهی در ادب فارسی*، مجله‌ی شعر پژوهی، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۶۹.

۳. مشهدی، علی و ژاله غنی کله‌لو، *تأملی بر انعکاس تاریخی مفاهیم و اصول حقوق اداری در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی*، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره‌ی ۱، زمستان ۱۳۹۸، ص ۵۵.

بود که در گذشته به شکایت مردم یا ظلم‌هایی که به آن‌ها می‌شد رسیدگی می‌نمود. آگاهی به دیوان مظالم «محکمه‌ی سلطانی» نیز گفته می‌گفتند. اما از دوره‌ی مشروطیت به بعد است که می‌توانیم زمینه‌های اولیه و ناقص توجه به نهاد دادرسی اداری و توسعه‌ی آن را شاهد باشیم. در ادامه سعی خواهیم کرد این تحولات را در چهار مرحله‌ی متمایز شامل دوره‌ی زمینه‌ساز و تقلیدی، دوره‌ی تجربه و آزمایش، دوره‌ی اصلاحات موقت و دوره‌ی تکامل عدالت اداری تا زمانه‌ی حاضر به اختصار مرور نماییم.

گفتار یکم. دوره‌ی نخست؛ دوره‌ی زمینه‌ساز، کاغذی و تقلیدی عدالت

اداری

دوره‌ی زمینه‌ساز و تقلیدی، ناظر به ایران بعد از مشروطیت است که زمینه‌های اولیه فکری و شکل‌گیری اندیشه‌ی تبعیت دولت از قانون و نیز سازوکار تضمین این تبعیت کم‌کم فراهم گردید. در این راستا سعی شد از نظام تعدد حقوق از جمله الگوی فرانسوی شورای دولتی، چنین نهادی گرفته‌برداری شود.

بند یکم. زمینه‌های اولیه

نخستین زمینه‌های تأسیس چنین مراجعی را می‌توان به صورت محدود در تشکیل «اداره‌ی محاکمات مالیه» بر اساس قانون تشکیلات وزارت مالیه مصوب ۱۲۹۴ شمسی و همچنین تشکیل

-
۱. سیدان، مریم، امیرداد: منصبی دیوانی در تعدادی از متون تاریخی و ادبی فارسی، مجله‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، شماره‌ی ۸۰، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۰۹.
 ۲. صدقی، ناصر، بررسی ساختار و صلاحیت دولت سلجوقی، مجله‌ی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۴۲.

«دیوان محاکمات مالیه» بر اساس قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت مصوب ۱۳۰۹ یافت. ولی همان‌گونه که مشاهده می‌شود موضوع محدود به یک امر خاص یعنی مالیات است. با این حال تصویب قانون فوق یک گام مؤثر برای ایجاد یک نهاد برای حل و فصل اختلافات مردم و دولت در امور مالی و مالیاتی بود. در ماده‌ی ۶۴ قانون استخدام کشوری ۱۳۰۱ نیز برای نخستین بار به شورای دولتی به عنوان مرجع رسیدگی به شکایات استخدامی برمی‌خوریم. با این حال تا سال ۱۳۳۹ چنین مرجعی هرگز به صورت یک قانون مشخص پیش‌بینی نشد.

«دیوان کیفر کارکنان دولت» که بر اساس ماده واحده‌ی قانون جزای عمال دولت مصوب ۱۳۰۸ و نیز کمیسیون موضوع لایحه‌ی قانونی رسیدگی به دعاوی اشخاص علیه دولت راجع به املاک مصوب ۱۳۳۴ یافت تحول دیگری بود که در این ایام اتفاق افتاد. به جز این چند نهاد محدود تا سال ۱۳۳۹ اتفاق چندان مهمی در این زمینه رخ نداد. لیکن زمینه‌های اولیه توجه به ایجاد چنین نهادی را در حقوق ایران فراهم نمود.

بند دوم. عدالت تقلیدی

اساساً دوره‌ی بعد از مشروطیت تا انقلاب اسلامی از منظر تاریخ حقوق عمومی دوره‌ی مهمی است. در این دوره‌ی مفاهیمی از اروپا توسط روشنفکران وارد حقوق اداری می‌شود و محاکم عرفی، ساختار دادگاه‌های جدید، مفاهیم روشنفکری و مدرنیته، مفاهیمی مانند قانون، مجلس، حتی در دوره‌ی رونق و شهرسازی و در این دوره ما شاهد اشغال ایران توسط نیروهای آلمان، روس، انگلستان هستیم.

۱. برای بررسی مختصر سیر تحول این مراجع ر.ک:

صدرالحفاظی، سید نصر...، *نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری*، چاپ اول، نشر شهریار، ۱۳۷۲، صص ۴۵-۳۲؛ شهنائی، خلیل، *جایگاه دیوان عدالت اداری در تأمین عدالت اداری و اجتماعی*، پژوهشنامه‌ی معاونت حقوقی و بررسی‌های فقهی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره‌ی اول، ۱۳۸۶، صص ۴۹-۴۳.

سال‌های پایانی این دوره به قبل از انقلاب اسلامی یعنی سال‌های دهه‌ی سی و چهل بازمی‌گردد. با تصویب قانون شورای دولتی مصوب ۱۳۳۹ سعی شد با الهام و تقلید از برخی سنت‌های مبتنی بر نظام تعدد حقوق، به ویژه الگوی شورای دولتی فرانسه اجازه‌ی اقامه‌ی دعوای اشخاص علیه دولت داده شود، به موجب این قانون رسیدگی به شکایت از تصمیمات و اقدامات کلیه‌ی مراجع و مؤسسات دولتی و شهرداری و تشکیلات وابسته به آن‌ها و همچنین رسیدگی به اعتراضات بر مدلول تصویب-نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و سایر نظامات دولتی، رسیدگی به شکایت از احکام دیوان محاسبات و رسیدگی به شکایت کارمندان از مؤسسات دولتی یا شهرداری یا تشکیلات وابسته به آن‌ها در مورد نقض مقررات حقوق استخدامی در صلاحیت شورای دولتی قرار گرفت.

در این دوره با گسترش دیوان‌سالاری اداری مواجه هستیم و دولت روزبه‌روز در حال توسعه است. تعداد اداراتی که ما در سال ۱۳۰۰ داشته‌ایم قابل مقایسه با سال ۱۳۵۰ نیست. اما با دقت در نهادهای و ساختارها باید گفت که بیشتر این نهادها، نهادهای تقلیدی هستند بدون اینکه زمینه‌ها و بسترهای اولیه آن‌ها فراهم باشند. برخی از روشنفکران حقوقی نظیر میرزا علی‌اکبرخان داور و متین‌دفتری نیز سعی می‌کنند چنین نهادهای را از حقوق فرانسه و سوئیس وارد نظام حقوقی ایران بنمایند.

با این حال در مفاهیم و ساختارهای حقوق عمومی پیش‌شرط استقرار این نهادها حاکمیت قانون و دموکراسی است. همچنین در بحث دادرسی اداری مسئله‌ی اصلی این است که ببینیم چگونه و تحت چه ساختاری باید به اختلافات و تظلمات و شکایات مردم علیه دولت باید رسیدگی نمود. در حقوق فرانسه این دوره ساختارهای مدرن شکل گرفته بود؛ یعنی شورای دولتی با سابقه‌ی بیش از ۲۰۰ سال به دعوای مردم علیه اداره رسیدگی می‌کند. در این دوره در ایران نیز تلاش شد با وارد نمودن چنین ساختارهایی اجازه شکایت علیه دولت فراهم شود. لیکن چنین امری هرگز و عملاً شکل نگرفت و قانون شورای دولتی ۱۳۳۹ که با تلاش حقوق‌دانان به تصویب رسید، تنها بر روی کاغذ باقی ماند.

بند سوم. عدالت کاغذی

در سال‌های پایانی این دوره، به دلیل ساختارهای ارتجاعی حاکمیت، «خودکامگی افسارگسیخته»^۱ و فقدان بنیان‌ها و لوازم یک دولت قانون‌مدار، در این دوره، قانون شورای دولتی تنها بر روی کاغذ باقی ماند و عملاً امکان شکایت علیه دولت و ابطال تصمیمات دولتی به وجود نیامد. به قول مرحوم دکتر متین دفتری «...شورای دولتی برای قوه‌ی مجریه ناراحت‌کننده است و وزرا و سایر عمال دولت که اکنون خود را مطلق‌العنان می‌دانند به آسانی زیر بار یک دستگاهی نمی‌روند که اقدامات و تصمیمات آن‌ها را کنترل بکنند...»^۲ این دوره را تنها باید دوره‌ی کاغذی و تقلیدی عدالت اداری در ایران نام نهاد.

در سال ۱۳۳۹ ما شاهد تصویب قانون شورای دولتی در کشور هستیم اما شورای دولتی هم به مثابه سایر مفاهیم مدرن صرفاً تقلیدی است؛ چون صرفاً در این دوره خواستند چنین مفهومی را از اروپای آن دوره تقلید کنند بدون آنکه لوازم و مؤلفه‌های آن ساختار در حقوق ایران فراهم باشد. به دیگر سخن وجود دادرسی اداری بر خلاف دادرسی مدنی یک پیش‌انگاره دارد و آن اینکه اساساً حاکمیت بپذیرد که تابع قانون باشد و تا زمانی که این وضعیت وجود نداشته باشد ما نمی‌توانیم از دادرسی اداری صحبت کنیم. اساساً ما در این دوره هیچ صاحب‌منصبی، هیچ وزیری، هیچ وکیلی را نمی‌توانیم بیابیم که بپذیرد که تابع قانون است و مردم بر علیه تصمیمات و اقدامات وی بتوانند اقامه‌ی دعوا نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. متین دفتری، احمد و سید نصرالله صدرالحفاظی، از شورای دولتی تا دیوان عدالت اداری، نشریه‌ی حقوق

اساسی، شماره‌ی ۹، ۱۳۸۷.

۲. متین دفتری و صدرالحفاظی، همان، ص ۲۰۱.

گفتار دوم. دوره‌ی دوم؛ دوره‌ی تجربه و آزمایش

بعد از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار در دو اصل قانون اساسی یعنی اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ به دیوان عدالت اداری اشاره شد.

یکی از دلایل بروز انقلاب در تمام نقاط جهان و به ویژه ایران نارضایتی مردم از حکومت و اداره است. لذا یکی از خواسته‌های انقلابیون بعد از انقلاب اسلامی عدالت اداری است و مبانی و استقرار نهادها بر اساس آموزه‌های شرع و اسلام و عدالت بود. این موارد باعث می‌شود تا در قانون اساسی به این امر مهم توجه شود.

به موجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد.

دو سال بعد، با تصویب قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۱۴ ما شاهد قانونی هستیم که در ذیل اصل ۱۷۳ قانون اساسی تصویب آن پیش‌بینی شده بود. از این زمان به بعد، دیوان عدالت اداری تشکیل و در چارچوب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی اجازه‌ی رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به تصمیمات دولت داده شد. این دوره تا تصویب قانون جدید تا سال ۱۳۸۵ ادامه پیدا نمود. این دوره را باید دوره‌ی تجربه و آزمایش نام نهاد. چه اینکه برای نخستین بار در تاریخ ایران قانون دیوان عدالت اداری تصویب شود و دیوان عدالت اداری تشکیل و کار خود را از سال ۱۳۶۱ با صدور آراء مهمی در زمینه‌ی اراضی شهری آغاز می‌کند.

در این دوره که حدود بیست و پنج سال طول می‌کشد، ما تجربه‌ی عدالت اداری را داریم. این تجربه باعث می‌شود که نواقص و مشکلات در خلال قضاوت‌های اداری خود را نشان دهند و زمینه‌ی تصویب یک قانون جامع را برای دیوان عدالت اداری در حقوق ایران فراهم نمایند.

گفتار سوم. دوره‌ی سوم؛ دوره‌ی اصلاحات موقت و گذرا

نسل سوم عدالت اداری از سال ۱۳۸۵ و با تصویب قانون دیوان عدالت اداری آغاز و تا نخستین ماه‌های سال ۱۳۹۲ ادامه داشت. کم‌کم قوه‌ی قضاییه به دنبال اصلاح قانون سابق است و در واقع تدوین یک قانون دیوان عدالت اداری است که بتواند نواقص دوره‌ی دوم را برطرف کند. آنچه اتفاق می‌افتد تصویب قانون دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۸۵ است.

در این دوره نویسندگان قانون جدید سعی نمودند با توجه به تجربه‌ی قانون سال ۱۳۶۰ اصلاحاتی را در نظام اداری به انجام برسانند. حذف مرحله‌ی تجدیدنظر و پیش‌بینی شعب تشخیص، ترکیب شعب، شرایط قضات، هزینه‌ی دادرسی، وکالت در دیوان، پیش‌بینی نظام اجرای احکام و برخی صلاحیت‌ها از مهم‌ترین اصلاحات انجام‌شده در این قانون بود.

این دوره را می‌توان دوره‌ی اصلاحات موقت و گذرا در ساختار عدالت اداری در ایران نام نهاد. هر چند علی‌الاصول این دوره با تکلیفی که در ماده‌ی ۴۸ قانون سال ۱۳۸۵ پیش‌بینی شده بود، نباید بیش از شش ماه و با فرآیند معمول قانون‌گذاری بیش از یک یا دو سال طول می‌کشید. ولی با فرآیند طولانی و طاقت‌فرسایی که لایحه‌ی تشکیلات و آیین دادرسی حاضر داشت، قریب به هفت سال تصویب این قانون به طول انجامید.

نواقص قانون سال ۱۳۸۵ از همان ماه‌های نخستین تصویب آشکار گردید تا اینکه موضوع تدوین و تصویب لایحه‌ی جامع تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مطرح گردید و با کش‌وقوس‌های فراوان در سال ۱۳۹۲ به تصویب و تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. بنابراین این دوره، دوره‌ی اصلاحات گذرا و موقت است. نکته‌ی مهم به لحاظ تجربه تاریخی دادرسی اداری در این دوره این است که مرحله‌ی تجدیدنظر حذف می‌شود و ما فقط شعب را داریم

۱. از جمله در این خصوص ر.ک: محمودی، جواد، قانون جدید دیوان عدالت اداری در بوته‌ی نقد، نشریه‌ی

و شعب تجدیدنظر سابق در این مرحله وجود ندارد و اصل بر قطعی بودن آراست و استثنائاً یک نهادی با عنوان شعب تشخیص پیش‌بینی می‌شود که تحت شرایطی مجاز بودند پرونده‌ها را بازبینی کنند.

گفتار چهارم. دوره‌ی چهارم؛ دوره‌ی تکامل عدالت اداری

تلاش برای طراحی یک نظام عدالت اداری کامل با توجه به تجربه‌های گذشته و نیاز به ایجاد ساختارهای جدید با توجه به تحولات حقوقی، زمینه‌های تحقق مرحله‌ی چهارم عدالت اداری در ایران را رقم زده است. این دوره را باید دوره‌ی تکامل عدالت اداری و تشکیل سیستم منسجم دادرسی اداری نام نهاد.

در مورد قانون سال ۱۳۹۲ نگاهی به روند تصویب این قانون در طول شش سال می‌تواند اهمیت برخی مسائل، اصلاحات و ماهیت اختلافی برخی از موضوعات اداری به ویژه قلمرو صلاحیت‌های دیوان را برای ما آشکار سازد. ابتدا ماده‌ی ۴۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ قوه‌ی قضاییه را مکلف نمود تا ظرف شش ماه لایحه‌ی آیین دادرسی دیوان را تهیه و از طریق دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید. با این حال فرآیند تدوین و تصویب تا سال ۱۳۹۲ به طول کشید که به اجمال به روند تاریخی آن از زمانی که لایحه‌ی قضایی به دولت ارائه شد تا تصویب نهایی در مجمع تشخیص مصلحت در ذیل اشاره شده است:

سیر تصویب قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

۱۳۸۶/۰۴/۰۶: لایحه‌ی قضایی به دولت ارائه شد.
۱۳۸۶/۰۸/۱۹: ارجاع به کمیسیون لوایح هیئت دولت.
۱۳۸۷/۰۳/۲۶: با اصلاحات به تصویب هیئت دولت رسید.

۱. برای بررسی بیشتر لایحه به مقاله‌ی ذیل بنگرید: ویژه، محمدرضا و وحید آگاه، کاوشی انتقادی در لایحه تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، شماره‌ی ۳۸، ۱۳۹۱.

۱۳۸۷/۰۸/۱۰: اعلام وصول لایحه در جلسه علنی مجلس و ارجاع آن به کمیسیون حقوقی و قضایی و کمیسیون اجتماعی
۱۳۸۹/۰۱/۱۵: تصویب در کمیسیون حقوقی و قضایی
۱۳۸۹/۰۷/۲۱: ایراد اصل ۸۵ در صحن علنی مجلس و تعیین مدت سه ساله
۱۳۸۹/۱۰/۰۱: تصویب و ارسال به شورای نگهبان
۱۳۸۹/۱۰/۲۲: ایراد اصل ۸۵ شورای نگهبان
۱۳۹۰/۰۱/۳۰: اصلاح ایرادات و تغییر عنوان توسط کمیسیون
۱۳۹۰/۰۵/۰۲: تصویب نهایی و ارسال به شورای نگهبان (مجدداً)
۱۳۹۰/۰۷/۲۵: اشکالات عدیده‌ی شورای نگهبان و عودت مجدد
۱۳۹۰/۰۸/۰۸: ارسال دوباره پس از حضور نماینده‌ی شورای نگهبان و رفع برخی ایرادات
۱۳۹۰/۰۸/۱۷: بازگشت دوباره و ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۳۹۲/۰۳/۲۵: تصویب نهایی و تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام

این قانون در یک ساختار منسجم و در پنج بخش مجزا تدوین شده است. بخش نخست ناظر به تشکیلات دیوان است. در این بخش تشکیلات قضایی و اداری دیوان و تعداد و ترکیب شعب و نیز شرایط قضاوت دیوان مشخص گردید. از نوآوری‌های مهم این بخش می‌توان به ماده‌ی ۶ اشاره نمود که تشکیل دفاتر اداری در مراکز استان‌ها را پیش‌بینی نموده است. از جمله موارد دیگر می‌توان به احیای شعب تجدیدنظر و امکان ارائه‌ی دادخواست الکترونیکی اشاره نمود. بخش دوم به تفصیل در دو فصل جداگانه شامل صلاحیت و ترتیب رسیدگی، جزئیات آیین دادرسی دیوان را معین نموده است. از جمله نوآوری‌های بخش دوم می‌توان به هزینه‌ی دادرسی، موضوع صلاحیت‌های دیوان و تشکیل هیئت‌های تخصصی اشاره نمود. بخش سوم نیز به موضوع اعاده‌ی دادرسی و بخش چهارم به موضوع اجرای احکام و در نهایت بخش پنجم به مقررات متفرقه پرداخته و تکلیف قوانین و مقررات سابق را مشخص نموده است.

دو فصلنامه جستارهای نوین حقوق اداری ● ۳۴۷

سال اول، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰

اگر در ساختار و ماهیت این قانون دقت شود، ما در این دوره شاهد یک قانون تفصیلی هستیم که سعی نموده است خود را از دادرسی مدنی و جزایی مستقل نماید. همچنین نهادهای جدیدی تأسیس می‌شوند که در گذشته سابقه نداشتند.

هرچند در قانون جدید نیز مشکلات و موانعی دیده می‌شود که زمینه‌ی اصلاح آن را در قالب چند طرح و لایحه در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ فراهم نموده است. لیکن در مقام مقایسه این قانون نسبت به سابق گام‌های مهمی را برداشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

در این نوشتار سعی شد، به اختصار سیر تحول شکل‌گیری دادرسی اداری پس از مشروطیت تا تصویب قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد بررسی قرار گیرد. با تأمل بر سیر تحولات نهاد دادرسی اداری در ایران می‌توان گفت که ساختارها و سیر عمومی ضرورت کنترل قضایی بر اعمال دولت به مرور زمان قوت گرفته و روزبه‌روز در حال توسعه است. این چهار دوره‌ای که به آن‌ها اشاره شد نمایانگر چهار نسل متمایز عدالت اداری در ایران، با ویژگی‌های متفاوت و بعضاً خاص است. با نگاهی بر سیر تحولات باید بر این امر اشاره نمود که توسعه‌ی دادرسی اداری منوط به این است که تا چه میزان حاکمیت به مبانی و اصول حقوق عمومی تبعیت از حکومت قانون و دموکراسی است پای بند باشد. هر چه قدر میزان پذیرش تبعیت از قانون بیشتر باشد، به تبع دادرسی اداری نیز توسعه خواهد یافت.



فهرست منابع

منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. صدرالحفاظی، سید نصرالله، *نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری*، چاپ اول، نشر شهریار، ۱۳۷۲.
۲. مشهدی، علی، *قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم حقوقی کنونی*، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.

ب. مقاله‌ها

۳. حیدری، علی و دیگران، *تجلی آیین دادخواهی در ادب فارسی*، مجله‌ی شعر پژوهی، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۷.
۴. سیدان، مریم، *امیرداد: منصبی دیوانی در تعدادی از متون تاریخی و ادبی فارسی*، مجله‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، شماره‌ی ۸۰، تابستان ۱۳۹۵.
۵. شهنازی، خلیل، *جایگاه دیوان عدالت اداری در تأمین عدالت اداری و اجتماعی*، پژوهشنامه‌ی معاونت حقوقی و بررسی‌های فقهی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره‌ی اول، ۱۳۸۶.
۶. صدقی، ناصر، *بررسی ساختار و صلاحیت دولت سلجوقی*، مجله‌ی پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۸۸.
۷. متین‌دفتری، احمد و سید نصرالله صدرالحفاظی، *از شورای دولتی تا دیوان عدالت اداری*، نشریه‌ی حقوق اساسی، شماره‌ی ۹، ۱۳۸۷.
۸. محمودی، جواد، *قانون جدید دیوان عدالت اداری در بوته‌ی نقد*، نشریه‌ی حقوق اساسی، شماره‌ی ۸، تابستان ۱۳۸۶.

۹. مشهدی، علی و ژاله غنی کله لو، تأملی بر انعکاس تاریخی مفاهیم و اصول حقوق اداری در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره‌ی ۱، زمستان ۱۳۹۸.
۱۰. ویژه، محمدرضا و وحید آگاه، ک‌اوشی انتقادی در لایحه‌ی تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق عمومی، شماره‌ی ۳۸، ۱۳۹۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی